

ترکیه در جنبه تضادهای

سرمایه داری و اسلام گرایی

بهزاد مالکی بهمن ماه 1394

ضربه انتخاباتی 7 ژوئن 2015 بر پیکر حکومت اسلام گرای ترکیه، نقطه پایانی بود بر سرعت بالا رونده حزب حاکم «عدالت و توسعه» و رهبر جاه طلب آن «رجب طیب اردوغان» که درصدد کسب قدرت انحصاری از طریق تغییر قانون اساسی است. روند اسلام گرایی و رشد فزاینده نئولیبرالیسم در مدتی که این حزب به قدرت رسیده، با پیش زمینه های ایدئولوژیک نو- عثمانی (پان ترکیسم) و پان اسلامیسیم، جامعه ترکیه را با بحران سیاسی- ایدئولوژیک کم سابقه ای روبرو کرده و به بحران اقتصادی آن دامن زده است. بررسی این مسأله برای ما از اهمیتی دوگانه برخوردار است. از یک طرف ترکیه - به عنوان قدرتی منطقه ای- در یک رقابت استراتژیک با دو قدرت توسعه طلب دیگر یعنی ایران و عربستان بر سر رهبری «دنیای اسلام» قرار دارد (منظور از «دنیای اسلام» اساساً کشورهای مسلمان نشین منطقه خاورمیانه است. طبیعی است که کشورهایمانند اندونزی، پاکستان، بنگلادش، افغانستان و غیره هم مورد نظر پان اسلامیسیم ها هستند اما تا آنجا که به رژیم های ترکیه، ایران و عربستان مربوط می شود، کشورهای خاور میانه، شرق مدیترانه و آفریقای شمالی اولویت دارند). ترکیه که عضو پیمان ارتجاعی ناتوست، هیچگاه داعیه رهبری جهان اسلام را که در طی چند قرن در دوره امپراتوری عثمانی یدک می کشید رها نکرده است. اردوغان در سخنرانی هایش بارها اعلام کرده است که هدف ترکیه رهبری جهان اسلام و تحقق وحدت و همبستگی جهان اسلام است. اشارات او در کنگره چهارم حزب عدالت و توسعه، 30 سپتامبر 2012، به روشنی این استراتژی را توضیح می دهد. « اردوغان بر رهبری جهان اسلام به جای عضویت در اتحادیه اروپا تاکید کرد و آن را هدفی برای خود و گروه

همراهش دانست. در عین حال در این چارچوب کنگره حزب عدالت و توسعه به کنگره بزرگ اخوان المسلمین در جهان اسلام تبدیل شد که در آن عالی ترین رهبران مصر و تونس و فلسطین نیز حضور داشتند.»

(<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1907515>) به دنبال شرکت در این نشست، خالد مشعل رئیس دفتر سیاسی جنبش مقاومت اسلامی فلسطین - حماس - گفت: « رجب طیب اردوغان نخست وزیر ترکیه نه تنها رهبر ترکیه بلکه یک رهبر جهان اسلام است. « حزب عدالت و توسعه که رهبری آن را رجب طیب اردوغان بر عهده دارد، شماری از مسئولان کشورها و رهبران احزاب مختلف را برای حضور در کنگره دعوت کرده است. محمد مُرسی رئیس جمهور مصر، اسامه النجیفی رئیس پارلمان عراق، احسان کجک نخست وزیر بخش ترک نشین قبرس، المازیک اتامبایف رئیس جمهور قرقیزستان، علی عثمان محمد طه معاون رئیس جمهور سودان، طارق الهاشمی معاون رئیس جمهور عراق، مسعود بارزانی رئیس اقلیم کردستان عراق، محمد شهباز شریف نخست وزیر اقلیم پنجاب پاکستان، امین جمیل رئیس جمهور اسبق لبنان، گرهارد شرودر صدر اعظم سابق آلمان، یوسف رضا گیلانی نخست وزیر پاکستان، راشد الغنوشی رئیس حزب اسلامگرای نهضت تونس و خالد مشعل رئیس دفتر سیاسی حماس، از جمله شخصیت های حاضر در کنگره حزب حاکم ترکیه بودند. از سوی دیگر، هم از جانب غرب و هم از طرف نئولیبرال های اسلام گرای ایران و سایر کشورهای مسلمان نشین، ترکیه به عنوان مدلی مطلوب از پیوند اسلام حکومتی و «دموکراسی» عرضه می شود و از این نظر به غلط با دموکرات- مسیحی های اروپائی مقایسه می گردد.

حوادثی که در چند ماهه بعد از این انتخابات تا انتخابات زودرس ماه سپتامبر، اتفاق افتاد، نشان داد که در پس پرده اصلاح طلبی اسلامی اردوغان و ناسیونالیسم بلنڈپروازانه او چهره ای تمامیت خواه نهفته است که برای رسیدن به اهدافش از هیچگونه اقدامی ولو فاشیستی خودداری نمی کند. موج سرکوب روشنفکران و

روزنامه نگاران، به دنبال بستن روزنامه ها و رسانه های مخالف تا از سرگیری جنگ با حزب کارگران کردستان (PKK) و تشدید سرکوب کردها، به بهانه های واهی و زیر پا گذاشتن قرارهای صلح با آنها و همراه شدن این اوضاع با بمب گذاری های مشکوک که به قتل عام بیش از صد تن از تظاهرات کنندگان لائیک و چپ منجر شد، همه در خدمت این هدف قرار گرفتند که جو عمومی جامعه را نا امن کنند، زمینه را برای نزدیکی افراطیون راست به قدرت حاکم، فراهم سازند، تا حکومت به جلب آرای خرده بورژوازی شهری و روستائی بپردازد که علیرغم نارضایتی از سیستم حاکم، به گفتمان امنیتی و شرایط نا آرام، حساس هستند. بدین سان حزب اردوغان در آخرین انتخابات برنده شد ولی باز هم نتوانست اکثریت مطلق را برای تغییر قانون اساسی به دست آورد.

سیاست خارجی ترکیه اسلامی هم بازتابی از ماهیت این حکومت است. که تبارز عمده آن را در سیاست ارتجاعی ترکیه در سوریه و دفاع از داعش و سرکوب و کشتار وسیع کردها - چه در ترکیه و چه در سوریه - شاهدیم. این سیاست ماجراجویانه را نخست وزیر ترکیه «احمد داود داغلو» بدین صورت تئوریزه کرده که منطقه خاورمیانه و شاخ آفریقا را بر مبنای دیدگاه نو- عثمانی خویش جزئی از «امپراتوری ترکیه» می داند. (1) بهار عربی برای ترکیه نیز مانند سایر قدرت های جهانی و منطقه ای فرصتی فراهم آورد که کارت های خود را در صحنه بازی های خاورمیانه و شمال آفریقا بیازماید و جا پاهائی برای تحقق رؤیاهای قدیمی ترک ها بیابد. حمایت فعال از اسلام گرایان تونس و اخوان المسلمین مصری و خلافت اسلامی داعشی در عراق را در پرتو این دیدگاه می توان ارزیابی کرد. نگاهی به پیش زمینه های حوادث جاری ترکیه و توضیح مفصل تر مطالب فوق، به ما در فهم بهتر آن کمک می کند.

جمهوری جدید ترکیه، از دل ویرانه های جنگ اول و شکست امپراتوری فرتوت عثمانی در 1923 با رهبری مصطفی کمال آتاتورک سربر آورد. کمالیست ها در طی دورانی طولانی تا سال 2002 رژیم استبدادی را با فراز و نشیب های متعدد بر حیات سیاسی ترکیه مسلط کردند. این رژیم وظیفه خدمتگزاری به زایش سرمایه داری ترکیه از دل جامعه نیمه فئودالی از یکسو و جلوگیری از خیزش یک جنبش دموکراتیک و کارگری را در دستور کار خویش قرار داد. ظهور این جمهوری با انقلاب اکتبر در روسیه و استقرار دولت بلشویکی در مناطق همجوار ترکیه

همراه شد و وضعیت جغرافیایی- سیاسی جدیدی بوجود آورد که در آن ترکیه، حلقه مهمی در استراتژی دولتهای امپریالیستی غرب در شرق مدیترانه و خاورمیانه بود و با پیوستن به پیمانهای منطقه ای چون بغداد (بعداً سنتو) و ناتو، جلودار جبهه غرب علیه شوروی و مقابله با دولتهای هوادار آن در خاورمیانه گردید. اصلاحات ارضی نیم بندی که کمال مصطفی شروع کرده بود با شروع جنگ دوم متوقف شد. این اصلاحات پس از 1945 با کمک طرح مارشال از سر گرفته شد و با کندی بسیار به اجرا درآمد اما به تدریج متوقف گردید. در سال 1950 حکومت از حزب جمهوریخواه مردم (حزب کمالیست) به جلال بایار از حزب دموکرات - حزبی که زیر نفوذ زمینداران بزرگ بود منتقل شد و عدنان مندرس - نماینده زمینداران بزرگ - به نخست وزیری رسید (باشاک اوزورال، تحول ترکیه و جلال بایار، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل کانادا- اوت 2004). دوباره در دهه های 1960 و 1970 قوانینی در این زمینه به تصویب رسید که زمینه را برای رشد سرمایه داری فراهم می کرد ضمن آنکه به منافع زمینداران بزرگ، به ویژه آنتهایی که به شیوه مدرن کشاورزی روی آورده بودند، لطمه ای وارد نیاورد. به این ترتیب، در دهه 1970 اصلاحات ارضی شبیه اصلاحات ارضی ایران در ترکیه به وجود آمد که نتیجه آن از یک سو گسترش روابط سرمایه داری در کشاورزی و سلطه سرمایه داری بر کل اقتصاد ترکیه و ایجاد یا تقویت زمینداران بزرگ مدرن بود؛ و از سوی دیگر انبوه وسیع دهقانان کم زمین (تعداد بسیار زیادی واحدهای کوچک کشاورزی) و جمعیت فزاینده کارگران کشاورزی. اصلاحات روبنائی و مدرنیته کمالی در حد رفع حجاب از زنان و سکولاریزه کردن نسبی سیستم دولتی و آموزشی، باقی ماند و مانند همپرازش رضا شاه از بوجود آوردن تغییراتی بنیادی در مناسبات حقوقی و سیاسی باز ماند. استبداد سیاسی همراه سرنیزه نظامیان تا به امروز بر حیات سیاسی - اجتماعی و فرهنگی ترکیه سایه افکنده است.

حزب جمهوری خواه ترکیه برای مدتی طولانی پس از جنگ جهانی اول، دولت تک حزبی را نمایندگی می کرد. در ترکیه اولین انتخابات آزاد به مفهوم رایج آن، پس از جنگ جهانی دوم و در سال 1950 برگزار شد و به دوران سی ساله تک حزبی پایان داد. با این حال ارتش تا اواسط دهه نود میلادی نقش اصلی را در صحنه سیاسی ترکیه بازی می کرد. وضعیتی که مانع از گسترش

حزب گرائی و سندیکالیسم و رونق بازار انتخاباتی در مقاطع گشایش سیاسی نشد (2).

شرکت کارگران در حرکت ها و اعتراضات اخیر در استانبول و آنکارا نشانی از آن است. جنبش کارگری ترکیه در جریان سه کودتای 1960، 1971 و 1980 - بیرحمانه سرکوب گردید. در جریان کودتای 12 سپتامبر 1980 به رهبری «کنان اورن» که حکومتی نظامی- فاشیستی بر ترکیه حاکم شد، حدود 50 نفر از فعالان کمونیست در ملاً عام اعدام و بیش از سی هزار نفر دستگیر شدند که 600 نفر از آنها به زندانهای طولانی محکوم شدند. بعداً با اجازه ارتش سه حزب «مادر وطن»، «حزب عوام» و «حزب دموکراسی ملی» شروع به فعالیت کردند. همراه با این احزاب، طیف وسیعی از سندیکاها و اتحادیه های کارگری در ترکیه فعال شدند. اتحادیه معلمان در سال 1995 تأسیس شد که 200 هزار عضو دارد و متشکل از 6 سندیکای معلمان است. تا قبل از 2002 طیف وسیعی از احزاب چپ و ناسیونالیستی در ترکیه شکل گرفتند. با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در 2002 و تأسیس سندیکاهای دولتی که با حمایت دولت رشد کردند، جنبش سندیکائی مستقل ضعیف شد. در سال 2009 سندیکای کارمندان نزدیک به دولت به بزرگترین کنفدراسیون ترکیه تبدیل شد.

ظهور احزاب محافظه کار و اسلام گرا از جمله حزب رفاه، در دهه 90 عامل جدیدی را در شطرنج سیاسی ترکیه وارد کرد. این حزب در انتخابات 24 دسامبر 1995 با 21.4% آرا به عنوان اولین حزب در انتخابات پیروز گردید. حکومت یک ساله حزب رفاه با فشار ارتش و سایر نهادهای حافظ دولت سکولار و کمالیسم کنار گذاشته شد. در سال 1997 حزب اسلام گرای رفاه در ترکیه منحل و نجم الدین اربکان از نخست وزیری ترکیه برکنار شد و از فعالیت سیاسی منع گردید. او با تعدادی از کادرهای جوان در سال 2001، شاخه دیگری از یک حزب اسلام گرای دیگر بنام «حزب عدالت و توسعه» (AKP) ایجاد کردند که در انتخابات پارلمانی سال 2002 توانست 36 درصد آرا را به نفع خود کسب کند و رجب طیب اردوغان، به عنوان نخست وزیر انتخاب شد. اقبال مردم به حزب جدید، علاوه بر جنبه مذهبی، وعده های این حزب به حل معضلات اقتصادی و برقراری دموکراسی در ترکیه و حل مسائل قومی و ملی و جنگ دائمی داخلی بود.

در سال 2001 بحران اقتصادی بزرگی ترکیه را در نور دیده بود که با افت 30 درصدی تولید ناخالص ملی و رشد منفی 5.7 درصدی و تورم 53.5% همراه بود. ترکیه مانند سایر کشورهای مشابه با پذیرش برنامه های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، سعی کرد از این بحران خارج شود. ترکیه در اواخر دهه 1990 و سال 2000 نسبت تبدیل لیر به دلار را ثابت نگاه داشت. اما وجود تورم و رکود شدید یا بحران که به آن اشاره شد باعث گردید که ارزش واقعی لیر و اوراق قرضه لیر کاهش شدید پیدا کند. بخش مهمی از سرمایه داران، به ویژه سرمایه گذاران خارجی و به طور کلی پولداران، لیر ترک و اوراق قرضه لیر را که ارزش آن دائماً کاهش می یافت با دلار عوض کردند و فرار سرمایه از ترکیه شدت گرفت. بدین سان ذخایر ارزی ترکیه به شدت کاهش پیدا کرد و به رغم دریافت کمک از صندوق بین المللی پول وضعیت مالی و پولی بهبود نیافت. در فوریه 2001 ترکیه نرخ برابری لیر در مقابل دلار را آزاد کرد بدین سان لیر یک سوم ارزش خود را از دست داد. ترکیه با عضویت در G20 و اتحاد گمرکی اروپا و کانديداتوری در جامعه اروپا و عضویت طولانی در ناتو از 1950 و موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیکش در چهار راه آسیا و اروپا و آفریقا، سال ها همراه با ایران و اسرائیل سرپل نفوذ و استقرار امپریالیسم غرب در خاور نزدیک و میانه بوده است. در پروژه خاورمیانه بزرگ آمریکا و تحکیم کریدور انرژی شرق به غرب آن، ترکیه جایگاه مهم و محوری دارد. ترکیه چهارمین شاهراه تأمین انرژی اروپاست. از این زاویه ورود آ.ک.پ به قدرت و وارد کردن اسلام به عرصه سیاسی کشور با برنامه ای نئولیبرالی، امکانی به وجود آورد که در آن نه تنها سرمایه داری جهانی و الیگارشسی داخلی بلکه بسیاری از اقشار سرمایه داری متوسط به ویژه در مناطق آناتولی - پایگاه سنتی حزب عدالت و توسعه - متحد خود را در آن یافتند. سرمایه داری ترکیه طی یکی دو دهه اخیر با بهره گیری از یک رشته شرایط مساعد بین المللی برای آن کشور، جذب وسیع سرمایه و وام خارجی، گسترش صادرات و واردات و غیره از رشد نسبتاً بالائی برخوردار شد اما در چند سال گذشته به خاطر بحران عمومی سرمایه داری در جهان، مشکلات سرمایه داری خود ترکیه، نیاز به عرصه ها و مفرهای بیشتر برای گردش و انباشت سرمایه و نیز افزایش هزینه های نظامی (بین سال های 2002 تا 2014 از 9 میلیارد دلار به 17.6 میلیارد دلار یعنی تقریباً 2 برابر شده است) و غیره به سمت رکود و افزایش تورم

گرایش پیدا کرده است. کاهش حجم تجارت خارجی و پائین آمدن ارزش لیر ترک، افزایش قرض دولتی - افت سرمایه گذاری های خارجی - کاهش تولید ناخالص ملی و تورم و بیکاری، موجب سقوط موقعیت جهانی ترکیه شده است. تولید ناخالص داخلی ترکیه از 822 میلیارد دلار در سال 2013 به حدود 722 میلیارد دلار در سال 2015 افت پیدا کرد. نرخ تورم از سال 2010 تا 2015 به ترتیب زیر بوده است: 8.85%، 6.45%، 8.94%، 7.49%، 8.85%، 7.7%. نرخ بیکاری در سال های 2010 تا 2014 چنین گزارش شده است: 11.2%، 9.2%، 8.4%، 9.1% و 10.0%. و نرخ بیکاری در سال 2015 بازهم بیشتر شده است. هر چند نرخ های تورم و بیکاری در ترکیه از نرخ های مشابه در ایران کمترند، اما در سطح جهانی نرخ های بسیار بالایی به حساب می آیند. ترکیه همچنین به رغم حجم بالای صادرات دچار کسری تراز بازرگانی مهم و فزاینده است: کسری تراز بازرگانی ترکیه طی سال های 2010 تا 2014 چنین بوده است: 40.9 میلیارد دلار، 66.6 میلیارد دلار، 41 میلیارد دلار، 54.2 میلیارد دلار و 39.9 میلیارد دلار (برای ارقام مربوط به کسری تراز پرداخت یا کسری حساب جاری ترکیه در سال ها مختلف به پیوست رجوع کنید). یک ویژگی دیگر اقتصاد ترکیه حجم بالا و فزاینده وام خارجی (دولتی و خصوصی) این کشور است. در سال 2014 نسبت وام خارجی خصوصی به تولید ناخالص داخلی برابر 33.5% (حدود 270 میلیارد دلار) و نسبت کل وام خارجی به تولید ناخالص داخلی برابر 50.3% (حدود 400 میلیارد دلار) بوده است.

در سال 2015، مبلغ کل وام خارجی ترکیه به بیش از 405 میلیارد دلار رسید که حدود 70% آن وام بخش خصوصی به خارج بود. نرخ بالای بهره وام های خصوصی به خارج از یک سو و تضعیف لیر ترک نسبت به دلار از سوی دیگر، با توجه به اینکه اکثر وام های ترکیه به دلار است، باعث سنگین تر شدن هزینه وام های خصوصی شده است. در همان حال با توجه به انباشته سرمایه گذاری خارجی در ترکیه (بیش از 168 میلیارد دلار در سال 2014) و سودی که بابت این سرمایه گذاری ها از ترکیه هر سال خارج می شود، شکاف فزاینده بین واردات و صادرات، کاهش درآمد توریستی و درگیری های نظامی فزاینده ترکیه و غیره، تراز پرداخت های این کشور هرچه بیشتر منفی می شود و شکنندگی اقتصاد ترکیه افزایش می یابد. بهره وام های خارجی و سود سرمایه های خارجی در ترکیه مجموعاً ده ها

میلیارد دلار در سال است که تأمین و تداوم آن به تشدید هرچه بیشتر استثمار کارگران می انجامد.

ترکیه که طبق آخرین آمارها، مقام هفدهمین اقتصاد بزرگ جهان را یافته، نتوانسته است در زمینه توسعه انسانی مقام بالای خود را حفظ کند. در فهرست شاخص توسعه انسانی سازمان ملل، ترکیه در رده 97 ام قرار دارد. (ایران در این زمینه در رده 110 ام قرار گرفته است) رشد اقتصادی ترکیه، عامل انسانی را در رابطه با درآمد و بهداشت و مسکن فراموش کرده است. (برای اطلاعات بیشتر، به جدول های آمار و توضیحات پیوست در آخر مقاله مراجعه کنید.)

ترکیه و همسایگان آن:

اسرائیل، ایران، مصر، سوریه، عراق و کردستان

رشد اولیه اقتصادی، و تظاهرات اسلام گرایانه اردوغان که توانسته بود حمایت مردم مسلمان ترکیه را به خود جلب کند، در موفقیت های او و حزب حاکم نقش مهمی بازی کرد و به رویاهای ناسیونالیستی و پان اسلامیستی دیرین ترک ها جان تازه ای دمید. اردوغان بارها در سخنرانی هایش رسماً اعلام کرد که هدف ترکیه تحقق وحدت و همبستگی جهانی اسلام و رهبری جهان اسلام است (سخنرانی در کنگره چهارم حزب عدالت و توسعه، 30 سپتامبر 2012). این مسأله سیاست خارجی ترکیه را که یکسره به سمت غرب و اروپا متمایل بود، تحت تأثیر قرار داد. ترکیه در پی یافتن راهی برای نشان دادن استقلال خویش و تثبیت قدرتش به عنوان بازی گری منطقه ای، استراتژی موسوم به «صفر مسأله با همسایگان» را در پیش گرفت. ترکیه در 2003 با ممنوع کردن هواپیماهای آمریکا در استفاده از فضا و زمین خویش، برای حمله به عراق به این سیاست خود جهتی تازه داد.

در اولین قدم، سیاست دیرینه خود را در نزدیکی استراتژیک با اسرائیل به موازنه برابر در مقابل اعراب و اسرائیل بدل کرد. ترکیه که اولین کشوری بود که دولت اسرائیل را به رسمیت شناخته بود و در دوران جنگ سرد روابط مخفی ای در زمینه های نظامی- امنیتی با اسرائیل داشت، به قرارداد همکاری متقابل خود با دولت اسرائیل خاتمه داد. در پی تهاجم اسرائیل به غزه و محاصره این شهر، ترکیه موضعی سخت علیه این دولت گرفت، که با سخنرانی اردوغان در کنفرانس داووس علیه اسرائیل تأیید شد. حادثه کشتی «مرمره» که توسط ترکیه برای کمک های بشردوستانه به مردم غزه در 2010 فرستاده شده بود که با دخالت ارتش اسرائیل و کشتن نزدیک به 10 نفر از اتباع ترکیه خاتمه

یافت، نشانه بارز این گسست استراتژیک بود. سیاست نزدیکی با روسیه، ایران و سوریه، و ابراز تمایل به پیوستن به سازمان همکاری شانگهای (OCS) نیز در این متن می‌گنجد. اردوغان اظهار داشته بود که ترکیه در این سازمان، آلترناتیو مناسبی برای اتحاد اروپا پیدا خواهد کرد. در ژوئن 2012، ترکیه به عنوان ناظر به کنفرانس سران (OCS) دعوت شد. سیاست منطقه ای ترکیه در جهت پرکردن جای خالی شوروی در کشورهای ترک زبان آسیای مرکزی و قفقاز متکی به «پان ترکیسم» با سیاست تهاجمی روسیه که آنجا را ملک طلق خود می‌پنداشت، در تقابل قرار داشت و محدودیت های خودش را نشان داد. از این رو این سیاست، عمدتاً به سمت قلمرو سابق تحت نفوذ امپراتوری عثمانی کشانده شد. نخست وزیر، «احمد داود اوغلو» را، که پیش از این مشاور و وزیرخارجة ترکیه بود، ایدئولوگ سیاست موسوم به «نوعثمانی» می‌دانند (1). نظریه ای که خواهان وحدت «امت مسلمان» در یک فدراسیون دولت های مسلمان، از جمله ایران و سوریه زیر حمایت دولت ترکیه، برای یک تغییر و مدرنیزاسیون صلح آمیز بود. ترکیه با تکیه بر دینامیسم سرمایه داری خویش به دنبال جایگزینی برای پیوستن به اتحادیه اروپا بود. ایران در این گشایش جدید ترکیه از اهمیت زیادی برخوردار بود. روابط نزدیک ایران و ترکیه و عضویت مشترک در پیمان سعد آباد (بین ایران و ترکیه و افغانستان و عراق در تاریخ ۱۷ تیر ۱۳۱۶- 8 ژوئیه ۱۹۳۷) و سنتو (یا پیمان بغداد که در فوریه سال 1955 بین ایران، ترکیه، عراق، پاکستان، انگلستان و آمریکا برقرار شد) در زمان پهلوی ها در مجموعه استراتژیک - امنیتی غرب قرار داشت. با استقرار حکومت اسلامی در ایران در سال 1979 و کودتای 1980 در ترکیه، این روابط وارد مرحله جدیدی شد. دو گرانش متفاوت ایدئولوژیک و دو حوزه استراتژیک در رقابت با هم به ویژه پس از سقوط شوروی که منطقه آسیای مرکزی و قفقاز را وارد این حوزه رقابت و نفوذ کرد، هر دو طرف از همان زمان یکدیگر را رقیب و منازع هم می‌دیدند. به علاوه رژیم کنان اورن در چارچوب استراتژی عمومی آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران عمل می‌کرد. تا مدتی پشتیبان اپوزیسیون سلطنت طلب بود. با روی کار آمدن حکومت اسلام گرای اردوغان و نگاه مشترک دو حکومت در اسلامی کردن جامعه سکولار و فاصله گرفتن اردوغان از اسرائیل، فاز جدیدی در روابط دو کشور گشوده شد؛ که با سفرهای اردوغان نخست وزیر در 2004، 2010 و 2011 و عبدالله گول رئیس جمهور

در 2011 به ایران رقم خورد. ترکیه در نزدیکی با ایران، منافع اقتصادی مهمی را جستجو می‌کرد. نیاز این کشور به انرژی نفت و گاز ایران که به کاهش وابستگی ترکیه به منابع روسیه هم کمک می‌کرد و بازار عظیم مصرف و سرمایه گذاری ایران برای صنایع تولیدی و صادراتی رو به رشد ترکیه اهمیت زیادی داشت. سرمایه گذاری ترک ها در صنایع اتومبیل و پتروشیمی و همکاری های اقتصادی در زمینه های ترانسپورت، مخابرات، بهداشت و تأسیس بانک سرمایه گذاری مشترک با همکاری کشور عراق در 2010، توافق انتقال گاز ایران به اروپا از طریق ترکیه در کادر پروژه « کریدور گاز جنوبی» کمیسیون اروپا و ایجاد منطقه آزاد تجاری در ماکو در مرز ترکیه از آن جمله اند. همکاری های سیاسی- نظامی ایران و ترکیه در کردستان در مقابله با پ. ک. ک و پژاک (حزب زندگی آزاد در کردستان) ایران، نزدیک به PKK یکی دیگر از محورهای این نزدیکی بودند. که با دخالت های ترکیه در سوریه و سرکوب کردهای سوریه از جانب ترکیه، دچار تغییرگریده است. ترکیه حتی برای تثبیت نقش کلیدی اش در خاورمیانه، به همراه برزیل در ماه مه 2010، ایران را به عقد قراردادی برای محدود کردن استراتژی هسته ای اش تشویق کرد که با مخالفت غرب و شکست مذاکرات 1+5 در استانبول ژانویه 2010 و آوریل 2012 به نتیجه نرسید و موجب دلسردی ترکیه گردید. توسعه این سیاست به تدریج به واسطه بروز اختلافات ایدئولوژیک - سیاسی و سیاست های نامتوازن ایران محدود شد. حوادث موسوم به «بهار عربی» و به ویژه دخالت های دو کشور در سوریه در دو جبهه مخالف، آنها را در مقابل هم قرارداد. ایران با عقد قراردادی با سوریه برای انتقال گاز و نفت از طریق عراق به سوریه و از آنجا به اروپا، پروژه عربستان و قطر را که به دنبال همین امر بودند، به عقب راند و همچنین پروژه انتقال انرژی از طریق ترکیه را نیز لغو کرد. نزدیکی ایران به دولت عراق و تشکیل هلال شیعی بین ایران - عراق - لبنان و سوریه و یمن، موجب نگرانی ترکیه و به ویژه گرانش پان اسلامی سنی گرا در منطقه گردید. در کردستان عراق نیز ایران با حمایت از جلال طالبانی و جبهه میهنی در مقابل سیاست ترکیه قرار گرفت که از بارزانی و حزب دموکرات کردستان پشتیبانی می‌کرد. همه اینها موجب چرخشی در سیاست های ترکیه گردید که به آن در سطور بعدی خواهیم پرداخت.

حمایت ترکیه از تظاهرات میدان تحریر مصر- اول فوریه 2011
- و اعلام اینکه «حسنى مبارك بايد به مطالبات مردمش گوش دهد.» چرخشی دیگر در سیاست ترکیه در منطقه، به دنبال جنبش های مردمی بود. ترکیه با استفاده از این فرصت سعی کرد به صحنه خاورمیانه که در زمان عثمانی زیر نفوذش بود باز گردد. ترکیه در این بازار به دنبال فروش «مدل اسلامی» خود و تأمین هژمونی اش بود. سقوط مبارک در 11 فوریه و صعود محمد مُرسی Morsi فرصتی طلائی برای نزدیکی ترکیه اسلامی و مصر اخوانی بود. سفر عبدالله گول در ماه مارس 2011 و اردوغان در سپتامبر همین سال به مصر و کمک یک میلیاردی ترکیه به آن در راستای گسترش جبهه اسلامی و بدیل سازی برای دولت های در حال سقوط در تونس و لیبی و سوریه و ... بود. اردوغان در این مسیر، پا در جای پای محمد مُرسی همفکرش در مصر نهاد که پس از کسب قدرت و تثبیت موقعیتش در برابر ارتش، در 22 نوامبر 2012 اعلام کرد که فرامین او به مثابه ریاست جمهور، فراتر از قوه مقننه، قضائی و همه دستگاه های نظارتی قرار دارد. او با فرمان 22 نوامبر، خود را به فرمانروای مطلق مصر بدل ساخت. راه پارلمانی برای مُرسی و اردوغان این نمایندگان اخوانی و اسلام گرا، پله ای برای کسب اختیارات مطلق و انحصاری است. مدل ترک که توسط جنبش النهضت در تونس ارائه می شد، مورد تأیید غرب نیز بود. چرا که این مدل اسلامی حکومت که لیبرالیسم اقتصادی را با نوعی به اصطلاح دموکراسی مذهبی ترکیب می کرد، می توانست در راستای اهداف سرمایه داری جهانی قرار گیرد. غرب به ویژه فرانسه، انگلستان، آلمان و آمریکا از حول هلم به داخل دیگ افتادند و با دخالت نظامی در لیبی و سوریه در صدد جلوگیری از این جریان برآمدند که به نتایج غیر قابل انتظار منجر شد. مصر و ترکیه از سقوط لیبی و دخالت غرب در آنجا استقبال کردند و با شروع تظاهرات مخالفان در سوریه به دفاع از مخالفان برآمدند و خواهان سقوط بشار اسد شدند. رابطه گرم ترکیه با بشار در سپتامبر 2011 با رد کردن توصیه های اردوغان به هم خورد و ترکیه نخست به دفاع سیاسی و سپس نظامی از مخالفان او روی آورد. ژوئن و ژوئیه 2011 جلسات مخالفان سوریه در ترکیه زیر پوشش سازمان های حقوق بشری چون «مظلوم در» تشکیل شد و «شورای ملی سوریه» در استانبول اعلام وجود کرد. همچنین هسته های اصلی ارتش آزاد سوریه در آنجا شکل گرفتند. ترکیه با وارد شدن در بازی استراتژیک غرب و کشورهای ارتجاعی

عرب چون عربستان و قطر و با یک اشتباه محاسبه، روی سقوط سریع اسد مثل مبارک، شرط بست و فکر می کرد که سوریه هم مانند تونس، مصر و لیبی سریعاً سقوط خواهد کرد. مقاومت اسد و خشونت که در سرکوب مخالفان به کار بست و تکیه بر روی متحدان منطقه ای و جهانش چون حزب الله لبنان، ایران و روسیه، غلط بودن این محاسبه را نشان داد. وزن اخوانی ها به رغم پایه نسبتاً ضعیفشان در جامعه سوریه، در شورای ملی سوریه بالا بود. ولی در صحنه جنگ داخلی سوریه، این نیرو نیز سریعاً توسط جریانات جهادی و تروریستی اسلامی به عقب رانده شدند. حمایت این یا آن قدرت منطقه ای از فراکسیونهای مختلف اپوزیسیون سوری و اختلاف مابین آنها از وحدت آنها جلوگیری کرد و پس از شکست (CNS)، جاده برای جهادی ها بازگردید. ترکیه با بازکردن راهها برای پیوستن جهادی ها و نیروهای القاعده به سوریه و مسلح کردن مخالفان اسد این بار برای رسیدن به اهدافش در سوریه و شکست اسد و محدود کردن کردها در ایجاد دولتی متحد در آنجا، به اتحاد با شیطان رو آورد. ارتش سوریه آگاهانه و اندکی به طور اضطراری مناطق شمالی کردنشین را ترک کرد و این مسأله به تشکیل نیروی واقعی کرد تحت رهبری حزب اتحاد دموکراتیک (PYD) منجر شد. پ-ی-د حزبی سیاسی در کردستان سوریه است که در سال 2003 توسط چپگرایان کرد در شمال سوریه تأسیس شد. حزب پ-ی-د رابطه نزدیک و ایدئولوژیک با حزب کارگران کردستان دارد. سوم ژوئیه 2013 نظامیان مصری با استفاده از تظاهرات مردمی به ضد دولت اخوانی، مُرسی را از کار برکنار کردند و او را با سایر رهبران اخوان المسلمین به زندان افکندند و به سرکوب اخوانی ها پرداختند. این امر و شکست انتخاباتی النهضت در تونس و ازهم پاشیده شدن لیبی، شکستی برای سیاست عربی ترکیه بود؛ که این کشور را به دامن سیاستی دیگر انداخت که می توان آن را داعشی شدن نامید که عوارض وخیمی در سیاست داخلی ترکیه ببار آورده است.

ترکیه و مسأله کردها:

به دنبال شکست امپراتوری عثمانی و تقسیم متصرفاتش، استقلال کردستان که یکی از وعده های قدرت های استعماری غالب بود، به سرعت به فراموشی سپرده شد و نطفه ستیز دائمی در منطقه بسته شد که تا به امروز ادامه دارد. ترکیه در مرزهای کنونی اش از 1922 بر بخش مهمی از منطقه کردنشین مسلط شد و در 1925 زیر فشار جامعه ملل از مطالباتش در مورد ایالت مهم

موصل در کردستان کنونی عراق صرف نظر کرد. بن بست سیاسی- اجتماعی حاصل از کودتاهای متعدد و سرکوب مطالبات بر حق مردم کردستان و کشتار آنها به دست حکومت کودتا به بحرانی سیاسی بدل گردید. کردها 20 درصد جمعیت 85 میلیونی ترکیه را تشکیل می دهند. اولین جنبش استقلال طلبانه و مسلحانه کردها به سال 1920 برمی گردد. در دوره های اخیر، جریان کردستان انقلابی به رهبری «حقی قرار» که در مرز سوریه ترور شد، جبهه جدیدی را گشود که تا به امروز ادامه دارد. حزب کارگران کردستان - پ. ک. ک - در 15 اوت 1984 با حمله به پاسگاه پلیس «شم دینالی» اعلام موجودیت کرد. دولت ترکیه با ربودن «عبدالله اوجالان» رهبر PKK در 16 فوریه 1998 سعی کرد که تغییری در سیاست خود با کردها بدهد. با شناسایی دولت اقلیم کردستان توسط ترکیه در زمان داود اوغلو و در پی سیاست «صفر مسأله با همسایگان» تبادل بازرگانی کردستان و عراق با ترکیه افزایش زیادی یافت. در 2012 مبادله بازرگانی ترکیه با عراق به 13.2 میلیارد دلار رسید که بخش عمده آن با اقلیم کردستان بود. در این میان، نفت و گاز کردستان، عامل مهمی در گسترش این روابط است. کمپانی «Gemel enerji» ترکی، عامل اصلی در اجرای پروژه های نفتی در کردستان است و انتقال نفت از طریق احداث سومین لوله نفتی بین کرکوک و بندر سیحان در ترکیه، در قلب این پروژه قرار دارد. یکی از اهداف ترکیه در نزدیکی به حزب دموکرات کردستان PDK استفاده از رقابت موجود بین احزاب کردستان به منظور محدود کردن PKK در ترکیه و PYD در سوریه است. بارزانی و اردوغان در محدود کردن این دو دارای منافع مشترک هستند. چرا که گسترش نفوذ این دو سازمان با ایدئولوژی مخالف و تأثیرشان بر گروه های مخالف اقلیم کردستان، آنها را به وحشت انداخته است. صالح مسلم رهبر حزب اتحاد دموکراتیک مردم PYD یکی از احزاب کرد سوریه، آشکارا خواستار برپائی یک حکومت انتقالی در حوزه کردستان سوریه، در چهارچوب یک راه حل فدرالیستی است. تأسیس کانتون های خود مختار و شیوه اداری دموکراتیک در مناطق تحت نفوذ، شبحی است که خواب از چشمان همه رهبران سیاسی ترکیه ربوده و زیگزاگ های پی در پی این کشور را درباره کردستان توضیح می دهد.

در مقابل واقعیت های جدید در صحنه سیاسی سوریه و عراق، ترکیه یکبار دیگر به تغییر استراتژی خود در برابر کردها پرداخت و به مذاکره با PKK مهمترین متحد PYD روی آورد.

عبدالله اوجالان از زندان خود، مذاکرات صلح و آتش بس را (از مارس 2013) هدایت می کرد. ترکیه امیدوار بود که در عوض خرید صلح با PKK و دادن امتیازاتی فرهنگی - سیاسی به آن، حزب اتحاد دموکراتیک را در سوریه محدود کند و با جلوگیری از وحدت این دو حزب، سیاست توسعه طلبانه اش را در آنجا ادامه دهد. صالح مسلم رهبر PYD در اوت 2013 به ترکیه دعوت شد. اما این تاکتیک اردوغان به واسطه وخامت اوضاع در داخل ترکیه بعد از حوادث «پارک گزی» نتوانست نتایج مورد نظر ترکیه را برآورده کند.

داعش حلقه جدیدی در استراتژی منطقه ای ترکیه

غرب و ترکیه با سرمایه گذاری روی مخالفان اسد که در شورای ملی سوریه CNS جمع شده بودند، انتظار داشتند که به دست کادرهای جهادی این شورا، کار اسد را سریعاً یکسره کنند. نخستین کسانی که این تضاد را «به طور زودرس» نظامی کردند، عبارت بودند از رژیم بشار و بخشی از اخوان المسلمین سوریه که در زمان حافظ اسد نیز به عملیات مسلحانه به ضد او دست زدند و به شدت سرکوب شدند. ترکیه، عربستان، اردن، انگلستان، فرانسه و آمریکا بعداً آشکارا وارد معرکه شدند. البته سازمان های اطلاعاتی آنها از آغاز اعتراضات علیه بشار، در صحنه بودند. با تشکیل ارتش آزاد سوریه و استقرار رهبری یا بخشی از رهبری آن در ترکیه و درگیری های مستقیم ترکیه با ارتش بشار، دخالت ترکیه حالت مستقیم تر و فعال تری به خود گرفت و کمک های مالی، اطلاعاتی و تسلیحاتی آمریکا، فرانسه، انگلیس، عربستان و اردن به این ارتش و نیز به سازمان های مسلح اسلامی مانند النصره و غیره افزایش یافت. در ضمن باید توجه داشت که شمار نسبتاً زیادی سازمان های مسلح کوچک و بعضاً مستقل نیز به شکل گروه های دفاع از خود تشکیل شد. اما با رشد حجم و فعالیت های ارتش آزاد و به ویژه گسترش فعالیت های النصره و بعداً داعش و سازمان های مسلح اسلامی دیگر مانند جیش الاسلام، احرار الشام و غیره، سازمان های کوچک مسلح یا از میان رفتند و یا در جریان های مسلح بزرگ جذب و هضم شدند. باید توجه داشت که سازمان های مسلح کوچک که بعضاً در آغاز گروه های دفاع از خود یا دفاع از تظاهرات بودند به لحاظ مالی و تسلیحاتی و تدارکاتی و حتی جیره غذایی به سازمان های بزرگ مسلح (در آغاز ارتش آزاد ترکیه و بعداً به ویژه النصره، احرار الشام، جیش الاسلام، داعش و غیره) وابسته

شدند. همچنین نقش ایران و روسیه در تشدید درگیری ها را نباید نادیده گرفت.

برهان غلیون و ژرژ سبرا از جمله رهبران اولیه CNS، ادعا می کردند که تمام کسانی که علیه اسد می جنگند، از جمله النصره انقلابی هستند. اینها که در ترکیه و عربستان و قطر رحل اقامت افکنده بودند، منتظر بودند که جهادی ها کار کثیف را و یا بقول لوران فابیوس وزیر خارجه فرانسه، کار اصلی (bon boulot) را انجام داده، اینها را به قدرت برسانند.

ترکیه با ارسال اسلحه، تجهیز نظامی داوطلبان جنگ در سوریه و ایجاد سهولت در رفت و آمد جنگجویان خارجی، کمک های مالی و لجستیکی و ارائه خدمات پزشکی، داعش را در سوریه تقویت می کرد. «کمال قلیچ داراوغلو» رهبر حزب جمهوری خواه خلق ترکیه، با استناد به اسناد به دست آمده از دفتر دادستانی آدانا و مصاحبه با کامیوندارها اظهار داشته که سلاح های زیادی توسط این کامیون ها از مرز ترکیه به سوریه اعزام شده اند. بازرسانی که کامیون های پر از اسلحه حامل موشک و تفنگ و مهمات را متوقف می کردند، با دخالت مأموران امنیتی ترکیه، مجبور به رها کردن آنها می شدند. به گفته روزنامه جمهوری، مقامات بالای دولتی و شخص اردوغان در تشویق و اعزام نظامیان ترکیه برای الحاق به داعش دخالت مستقیم داشتند. «هاکان فیدان» رئیس سازمان امنیت ترکیه در مرکز توطئه ای قرار داشت که قرار بود از داخل سوریه، بهانه های لازم از آن جمله سازمان دادن حملات شیمیایی و موشکی را برای دخالت ترکیه در سوریه فراهم کند. در قلب استانبول زیر نظارت سازمان امنیت (MIT) و سازمان امور دینی ترکیه، مراکزی برای اقامت، آموزش و جابجایی جنگجویان داعش برپا شده بود. بیمارستان های ترکیه پذیرای بسیاری از جنگجویان زخمی داعشی تا حد کادرهای بالای آنها از جمله «احمد ال-ح» از معاونان ابوبکر بغدادی، بوده اند. مهر پاسپورت های بسیاری از آنها برای عبور به سوریه توسط مرزداران ترکی زده شده است. مدرسه «عرفان کولجی» بنیادی که اردوغان و داود اوغلو از پدیدآورندگان آن هستند، مقر و مسکن آنهاست و وب سایت Takver Haber که به زبان ترکی اداره می شود، محل ثبت نام ترک ها برای پیوستن به داعش است. وزیر کشور ترکیه «همر گولر» بنا به نوشته نشریه «رادیکال» اظهار داشت که: «منافع منطقه ای ما ایجاب می کند که به جنگجویان النصره در جنگ علیه اسد و PYD به آنها کمک کنیم...»

ترکیه از طریق خرید نفت داعش از این سازمان حمایت مالی می کند. نفت عراق و سوریه از طریق کامیون و حتی خطوط لوله غیر قانونی وارد شهرهای مرزی ترکیه می شود.

بعد از سوریه و عراق، یمن عرصه دیگری است که در آن، ترکیه به دخالت در نزاع داخلی آن پرداخته است. حضور سیاسی- نظامی ترکیه در یمن ریشه در زمانهای دور تاریخی دارد و این کشور از دیرباز جزئی از حوزه استراتژیک ترکیه محسوب می شده است. امروز نیز بعد از سقوط صنعا به دست شورشیان شیعی (زیدی) مذهب حوثی و شروع جنگ داخلی بین آنها و حکومت طرفدار عربستان از یکسو و نیروهای جهادی و داعشی از سوی دیگر، ترکیه به اتحادیه ای ملحق شده است که توسط عربستان و پاره ای از کشورهای خلیج برای دخالت نظامی در یمن برای دفاع از حکومت صنعا، تشکیل گردیده است. اعزام 500 عضو دولت اسلامی (داعش) از سوریه توسط 4 هواپیمای ترکی و قطری و اماراتی در 26 اکتبر 2015 و استقرار آنها در شهرهای الباب و مارب در یمن و ایلات جنوبی عربستان، جیزان و عصیر، از آخرین اقدامات دخالت گرایانه ترکیه در این منطقه است. قبل از آن در 27 مارس، یک گروه از افسران ترک به قطر اعزام شدند و به گروه دیگری که در امارات مستقر بودند، ملحق گردیدند. نظامیان ترک برای حمایت از عملیات «طوفان قاطع» و در همکاری نزدیک با عربستان، مأموریت های اطلاعاتی - آموزشی و تدارکات لجستیکی را به عهده دارند. هشدارها و تهدید های پی در پی بین رهبران جمهوری اسلامی و ترکیه، حتی در زمانی که اردوغان به ایران سفر کرده بود، تنش ها و منازعات بین دو کشور را که در سوریه و عراق هم درگیر هستند، بالا برده است.

و سرانجام بن بست؟!

در بازبینی سیاست ترکیه در منطقه خاورمیانه که در بالا آمد، می توان به یک نتیجه آشکار دست یافت. زیگزاگ های پی در پی و تغییر مواضع 180 درجه ای که هر بار با گام هایی به عقب همراه بوده است. آخرین آن، گردش به راستی است که ترکیه بعد از شکست در استراتژی سیاست نو-عثمانی اش در سوار شدن بر موج جنبش «بهار عربی» کرده است. بازگشت به دامن ناتو و آمریکا و اسرائیل (1) در سیاست خارجی و از سرگیری جنگ و خشونت پلیسی و تعرض به آزادی ها و دموکراسی شکننده و نیم بند در سیاست داخلی.

آ. ک. پ و شخص اردوغان بعد از موفقیت اولیه در صعود به قدرت و ایزوله کردن مهمترین رقیبش، ارتش کمالیست، سیاستی انحصارگرایانه در پیش گرفت. تضاد قدرت در بالا بین دو گرایش اسلامی آ. ک. پ و گولن که روزگاری از یاران نزدیک اردوغان بود، به بیرون راندن همراهان او از قدرت انجامید.

جنبش مذهبی گولن «gülen» نزدیک به گرایش صوفی گری یکی از نحلّه های طرفدار پان ترکیسم، در 1970 به وسیله فتح الله گولن تأسیس شد و نه تنها در ترکیه، بلکه در بسیاری از کشورها گسترده شده است. در دوران سیاه کودتا، این جنبش هم مانند سایرین، توسط ارتش سرکوب شد و گولن به آمریکا مهاجرت کرد. در دوران ریاست تورگوت اوزال، جنبش دوباره رشد کرد. ساختارهای غیر متمرکز و شبکه های مذهبی و هزاران نهاد آموزشی متعلق به جنبش گولن، بین سال های 2002 تا 2010 در خدمت بسط و گسترش نفوذ اردوغان و حکومت اسلام گرای جدید و حزب حاکم قرار گرفت. پایه مشترک فعالیت آ. ک. پ و گولن، اسلام محافظه کار و لیبرالیسم اقتصادی بود. این همکاری نه تنها پایه های اجتماعی قدرت حاکم را تقویت کرد، بلکه به او کمک کرد که ارتش کمالیست و نفوذ آن را کم کند. امری که پس از انجام آن، تصادم قدرت را در میان اسلام گرایان شدت بخشید. طرفداران گولن با نفوذ در پلیس و قوه قضائیه و رسانه های جمعی و ثروتی مالی در حدود 50 میلیارد دلار، به قدرتی در درون قدرت بدل شده بودند. روزنامه «زمان» اولین نشریه ترک با تیراژ روزانه یک میلیون، به نشر ایده های این جنبش می پرداخت. افشای فساد مالی عظیمی در دولت اردوغان، به ویژه در میان نزدیکان او، رسوائی زیادی ببار آورد. دادگستری به مثابه ملک شخصی اطرافیان اردوغان درآمده و «ذکریا اوز» که در رأس گروه تحقیقاتی به پرونده های دزدی های اطرافیان اردوغان دست یافته بود، مجبور به فرار به روسیه شد. در این تحقیقات معلوم شد که 4 وزیر و فرزندانشان و همچنین «بلال» فرزند اردوغان به سرقت اموال دولتی پرداخته و مبالغ هنگفتی در منزلشان مخفی کرده بودند. سرانجام افشای اختلاس یک مدیر بانک دولتی توسط قضات نزدیک به گولن که 4.5 میلیون پوند را در جعبه های کفش پنهان کرده بود، زنگ خطری بود که اردوغان را به تلاش نهائی برای سرکوب این جنبش وادار کرد. دولت با اعلام اینکه «امنیت ملی» در خطر است، هزاران افسر پلیس و دادستان و قضای را به جرم همکاری با گولن اخراج کرد. در خیلی موارد، جای آنها را اعضای طرفدار حرکت ملی، یک

گروه مذهبی- فاشیستی پر کردند. به دنبال آن سرکوب روزنامه نگاران و رسانه های طرفدار گولن آغاز شد. 20 خبرنگار و کارمند رسانه ها بازداشت و روزنامه های وابسته به آنان از جمله روزنامه زمان، دو کانال تلویزیونی بوگون تی وی و کانال ترک با حمله مأموران دولتی بسته شد. «هدایت کاراجا» رئیس شبکه تلویزیون و «اکرم دومانلی» روزنامه نگار و نمایش نویس دستگیر شدند. سازمان گزارشگران بدون مرز نیز رتبه ترکیه در زمینه آزادی مطبوعات را از ۱۴۹ به رتبه ۱۸۰ تنزل داد که تنها فاصله اندکی تا رتبه جمهوری کنگو دارد. ایران در گزارش سال ۲۰۱۵ میلادی این سازمان در رتبه ۱۷۳ قرار دارد.

جنبش پارک گزی:

در روز 27 ماه مه 2013 مردم در میدان تقسیم استانبول، برای مقابله با خراب کردن پارک گزی و ساختن یک مرکز تجاری به جای آن، دست به اعتراض زدند. این اعتراض که می رفت مانند سایر تظاهرات محدود میدان تقسیم، تحلیل رود. با برخورد خشن پلیس و سرکوب آن، به اعتراضات وسیع تبدیل شد. طبق آمارهای ارائه شده، 16 در صد مردم استانبول در این تظاهرات شرکت کردند. اعتراضات محیط زیستی با پیوستن گروههای چپ گرا و کارگران، مضمون مطالباتی پیدا کرد.

اعتراض به قانون جدید برای محدود کردن فروش و مصرف مشروبات الکلی، اعتراض به دخالت مأموران به رابطه دخترها و پسرها در متروها مراکز عمومی، اعتراض به دخالت های حزب AKP در زندگی خصوصی مردم، آزاد شدن و دخالت بیشتر احزاب قانونی مخالف و بالاخره روشن شدن علت انفجار معدن شهر Hatay و کشته شدن 85 معدنچی و مجازات عاملان آن. جنبش هم چنین با طرح دخالت ترکیه در سوریه به نفع داعش و گروههای جهادی و اعتراض به آن، تمامی سیاست های دولت و حزب حاکم را به زیر سؤال کشاند. قبل از آن در 18 دسامبر 2012 در بازدید اردوغان نخست وزیر وقت از دانشگاه صنعتی خاورمیانه در آنکارا که فضائی چپ گرا دارد، دانشجویان با شعار «طیب جنگ طلب، امپریالیست، دشمن علم، از دانشگاه برو» از او استقبال کردند که با سرکوب پلیس و تعقیب دانشجویان تا کلاسهای درس آنان روبرو شد. در این جنبش علاوه بر دانشجویان (ترکیه هم اکنون 200 دانشگاه و پیش از 4 میلیون دانشجو دارد که از سال 2008 افزایش چشمگیری داشته است.) و جوانان و افسار متوسط شهری، کارگران و نیروها و سازمان های چپ نیز حضور داشتند. (جبهه خلق، حزب کمونیست، حزب

کمونیست کارگری، اتحاد کمونیستهای انقلابی و حزب م - ل (کمونیست). مانند همه جنبش های مشابه، نقش اینترنت و شبکه های اجتماعی در رساندن آگاهی و سازماندهی تظاهرات اهمیت مهمی داشت. بر طبق نظر سنجی ها 69 درصد شرکت کنندگان از طریق شبکه های اجتماعی به تظاهرات جلب شده اند و 93 درصد معترضان شهروندان عادی بودند و تعداد زنان از مردان بیشتر بود. این جنبش کاتالیزوری برای یک جنبش مقاومت و مخالف گردید و با گفتن «نه» بزرگی به فاشیسم مذهبی در حال شکل گیری، زنگ خطر را برای رژیم اسلام گرای ترکیه به صدا در آورد. (گروه پروسه- سولماز بهرنگ- ژوئن 2013)

انتخابات: یک گام به پیش دو گام به پس

انتخابات 7 ژوئن در حالی برگزار شد که جنبش دموکراتیک و مردمی «پارک گزی» در 2013 سرکوب شد و رسوایی مالی عظیمی در سطح بالای حکومتی، پایه های رژیم را لرزاند. اقتصاد ترکیه بعد از یک دهه رشد مداوم، از سال 2014 در منگنه تضادهای بنیادی سرمایه داری و زیر تأثیر منفی بحران عمومی جهان، دچار کندی و افول شد. این همه، حزب اسلامی حاکم را به سمت سیاست های اسلام گرائی افراطی و استبداد سیاسی و شخص محور کشاند. تا بتواند حاکمیت خود را حفظ کند. هدف عمده ای که قدرت حاکم در این انتخابات دنبال می کرد، کسب اکثریت مطلق در مجلس برای تغییر قانون اساسی در جهت گسترش اختیارات رئیس جمهور و کم کردن وزن پارلمان در موارد قدرت بود. روی آوردن مردم به حزب نوپای «. ه. د. پ» حزب دموکراتیک خلق ها، با برنامه ای لیبرال - چپ به ضد اردوغان و حزب حاکم «AKP»، واقعه مهم این انتخابات بود که سیلی محکمی به چهره رهبران حزب حاکم محسوب می شود. این حزب با کسب 13 درصد آرا و گسیل 80 نماینده به مجلس، اکثریت حاکم را از کسب آرای لازم برای تغییر قانون اساسی و تشکیل دولت به تنهایی محروم کرد. این حزب در اکتبر 2013 با رهبری مشترک فیغان یوکسک داغ از رهبران «حزب ستمدیدگان سوسیالیست» و صلاح الدین دمیرتاش تأسیس شد. HDP رنگین کمانی از گروه های رادیکال چپ، کردها، علوی ها، ارمنی ها، سبزه ها و هم جنس گراها است. پیشروی این حزب بار دیگر اردوغان و نخست وزیر موقتش داود اوغلو را به تغییر استراتژی واداشت. اردوغان که قبل از انتخابات با طرح صلح با PKK در پی تأمین اتوریت خویشتن و صاف کردن جاده برای انحصاری کردن قدرتش بود، پس از انتخابات ژوئن و

مشاهده افول قدرتش، تمام سعی خود را به کار برد تا دولت ائتلافی پانگیرد و انتخابات زودرسی برپا گردد. اردوغان در 14 اوت در زادگاهش ریزه «RIZE» اعلام کرد: «شما ممکن است این واقعیت را بپذیرید یا نه، اما نظام حکومتی ترکیه به طور عملی تغییر یافته است. آنچه باید انجام شود، نهائی کردن چهارچوب های قانونی این وضعیت ضمنی با قانون اساسی جدید است.» او به طور علنی هدف های کودتای خزنده ای را که درحال انجام شدن بود توضیح داد. استراتژی ترکیه بین دو انتخابات، قطبی کردن جامعه و ازسرگیری جنگ تمام عیار با PKK به منظور ضعیف کردن حزب دموکراتیک خلق ها و ایجاد ترس و نا امنی، برای جلب آرای عناصر متزلزل و اقشار میانی محافظه کار از یکسو و عناصر راست افراطی از سوی دیگر بود. قتل طاهر ایلچی رئیس کانون وکلای شهر دیاربکر در یک میتینگ انتخاباتی و انفجار در شهر سوروچ در اردوی تابستانی جوانان سوسیالیست که 30 کشته و 100 مجروح بجا گذاشت، انفجار دو بمب در راهپیمایی نیروهای چپ و کرد و دموکرات در آنکارا در 10 اکتبر که 97 کشته و 245 مجروح داشت، همسوئی مخرب ترین نیروهای اسلام گرا را با حکام مستقر در ترکیه نشان می دهد. اعلام حکومت نظامی در برخی از شهرهای کردستان و به آتش کشیدن 120 مکان حزب HDP و سرکوب و دستگیری بیش از 500 نفر از اعضای این حزب در شهر جزیره از جمله اقداماتی است که حکومت ارتجاعی به منظور آشفته کردن جو جامعه بدان دست یازید. در پی درگیری های اخیر نزدیک به 200 تن نظامی و مأموران امنیتی نیز کشته شده اند که نمایش آن توسط رسانه های دولتی، جو سیاسی را ملتهب تر ساخت. سقوط ارزش لیر در بین دو انتخابات و سقوط ارزش سهام در بازار بورس، جو نا امنی و بی اعتمادی را دامن زد.

در نتیجه:

بخشی از آرای حزب حرکت ملی MHP به سمت AKP رفت. آرای این حزب 22 درصد افت کرد و از 80 کرسی به 41 کرسی مجلس دست یافت. (این حزب که در سال 1989 به وجود آمده، حزبی راستگرا و پان ترکیست است، که ناسیونالیسم رمانتیک ترکی را با اسلام حنفی تلفیق کرده است و پایه های سیالی با حزب عدالت و توسعه در میان اقشار محافظه کار شهری و بورژوازی دارد.) بخشی از بورژوازی و نیروهای محافظه کار کردستان که از پیروزی های کوبانی و سیاست های

رادیکال آن مبنی بر ایجاد کانتون های خودکفا (روژاوا) ترسیده بودند، صفوف HDP را ترک کردند. این حزب 18 درصد آرای خویش و 21 نماینده از 80 را از دست داد. در شهرها، کسبه و پیشه‌وران و بخشهای پائین بورژوازی که از سرگیری درگیری‌ها را برای کسب و کارشان مضر می‌دانستند، قدرت مطلقه و امنیتی حزب عدالت و توسعه را ترجیح دادند. این تاکتیک‌ها توانست نتیجه انتخابات زودرس را به نفع AKP تغییر دهد. این حزب با کسب نزدیک به 50 درصد آرا و 317 نماینده، اکثریت را به دست آورد، بدون آنکه حد نصاب لازم را برای تغییر قانون اساسی در اختیار داشته باشد. توافق حزب دموکراتیک خلق‌ها با حزب جمهوری خواه خلق (این حزب CHP که به نوعی میراث دار آتاتورک است، قدیمی‌ترین حزب ترکیه با گرایش ملی‌گرایانه، سوسیال دموکراتیک و لائیک است که واجد 25 تا 30 درصد آرا می‌باشد) در پارلمان می‌تواند تا حدی جلوی بلند پروازی‌های اردوغان را بگیرد.

با مشاهده تصفیه‌های ارتش و جنبش گولن (هیزمت)، می‌توان ردپای «دولت پنهان» یعنی سازمان‌های موازی و درهم آمیختگی آنها با دولت حاکم را نشان داد. در سال‌های دهه 90، قتل‌ها و ترورهای که متوجه رهبران چپ‌گرا و کردها بود، هیچگاه توسط دولت و مقامات رسمی اعلام نشد. گروه‌های مخفی و موازی، جوخه‌های ترور اولتراناسیونالیستی، در خدمت دستگاه امنیتی (MIT)، هزاران نفر از روشنفکران، چپ‌ها و کردها را قتل عام کردند. این به اصطلاح «جنگ کثیف» امروزه دوباره در هیأت گروه‌های داعشی و جهادی و شبکه‌های اولتراناسیونالیستی به صحنه بازگشته‌اند. اردوغان برای حفظ قدرت به زوایای تاریک یک دولت و ساختار نظامی-امنیتی روآورده است. ظهور مجدد شعارهای ناسیونالیستی برادر و دیوار مناطق کردنشین و برپائی جوخه‌های آدمکشی، فضای سال‌های 90 را دوباره زنده کرده است. سیدات پکر (Peker) چهره شناخته شده مافیائی-پان‌ترکیست-که سال‌ها از صحنه خارج شده بود، امروز وارد صحنه شده و در میتینگ مشترک با اردوغان شرکت کرده است. پکر در این میتینگ انتخاباتی، وعده «رودخانه‌های خون» به انتخاب‌کنندگانی میداد که به AKP رأی ندهند. بعد از انتخابات ماه نوامبر، سازمان‌های حقوق بشر در ترکیه، خیر از کشتارهای دست جمعی در مناطق کردنشین داده‌اند. در سور، نصیبین، دارگجیت، مردم را وادار به ترک خانه و زندگی‌شان کرده‌اند و خانه‌هایشان را بمباران نموده‌اند.

تنبیه جمعی و نقض مداوم حقوق بشر توسط گروه‌های مسلح شبه نظامی فاشیست و یا جهادگرا مانند «تیم اسدالله» به امری مداوم تبدیل شده است. بر طبق اطلاعیه همین منابع حقوق بشری، در فاصله 24 ژوئیه تا دسامبر 2015 بیش از 200 غیر نظامی در درگیری‌های بین نیروهای دولتی و چریک‌های کرد کشته شده‌اند. در مجموع نزدیک به 3000 تن دستگیر شده‌اند. قانون «بسته امنیتی داخلی» دست پلیس را برای هر تجاوزی به حریم خصوصی و عمومی باز کرده و بهانه‌ای برای جلوگیری از تجمعات مخالفان حکومتی شده است. بیش از صد گردهمایی ممنوع شده، بدون آنکه شرایط اضطراری توجیهی داشته باشد. هواخواهان حقوق بشر، رهبران سندیکائی و حزبی زیر ضرب و فشار قرار گرفته‌اند و قتل‌های زنجیره‌ای رهبران و مسئولان چپ و پ. ک. ک توسط پلیس موازی ادامه دارد. قریب یک میلیون و سیصد هزار نفر از مردمی که عمدتاً در شهرهای کردستان زندگی می‌کنند، هدف این سرکوبها قرار دارند. رئیس جمهور و نخست‌وزیر ترکیه با اظهار اینکه «کلیه مخالفان خود را در سنگرها دفن خواهند کرد.» و یا «هدف نابودی تمام جنگجویان PKK است» (17 دسامبر 2015) آمران و عاملان این کشتارها محسوب می‌شوند. صلاح‌الدین دمیرتاش، رهبر حزب دموکراتیک خلق‌ها، نیروهای امنیتی ترکیه را متهم کرده که در مناطق کردنشین این کشور دست به کشتار زده‌اند. دمیرتاش گفته است که نیروهای امنیتی ترکیه روز یکشنبه 7 فوریه به شهر جزیره در استان شرناق حمله کردند و حداقل 60 نفر زخمی را که در ساختمانی پناه گرفته بودند، کشتند. دمیرتاش گفته است که مقام‌های دولت ترکیه تلاش کرده‌اند این مسئله را پنهان کنند. رهبر حزب دموکراتیک خلق‌ها گفته است که مأموران دولت اجساد کشته‌شدگان را از محل منتقل کرده و در خیابان‌های مختلف و خانه‌های مخروبه قرار داده‌اند.

ترکیه‌ای که امروزه می‌خواهد پا در جای ژنرال‌های دهه 90 بگذارد، به مراتب شرایط خطرناک‌تری را تداعی می‌کند. در خاورمیانه‌ای که دستخوش جنگ داخلی و ظهور داعش و سقوط دولت‌های پایدار است و تضاد‌های ارتجاعی قومی، ملی و مذهبی، همه همسایگان ترکیه را در عراق، سوریه، یمن، لیبی و مصر در نور دیده، ظهور گروه‌های ترور که در خدمت قدرت اردوغان قرار گرفته‌اند، به مراتب غیر قابل کنترل‌تر از سابق هستند.

اسلام «معتدل» اردوغان می رود به اسلام خلافتی نزدیک شود. او پیروانش را به مرتجعانی تبدیل می کند که اسیر کیش شخصیت و ایدئولوژی مذهبی و ناسیونالیستی می گردند. در منظر این هواداران متعصب، سقوط استاد بزرگ (بویوک اوستا) سقوط مذهب و ملت است. لفاظی های پرخاشجویانه، بیگانه ستیز و عظمت طلبانه او، بازی خطرناکی است که دموکراسی نیم بند ترکیه را از درون در معرض خطر قرار داده است.

وضعیت اقتصادی و به ویژه سیاسی نامساعد ترکیه و شکست سیاست های ارتجاعی حکومت ترکیه در منطقه که با زیگزاگ های متعدد همراه بوده است، این بار در چرخش به راستی دیگر، در پیوند با ناتو و غرب و اسرائیل (3)، می خواهد در نقش ژاندارم منطقه، با حفاظت از منافع سرمایه داری در ترکیه، جای پای خویش را نه تنها در منطقه مدیترانه و خاورمیانه، بلکه در قفقاز و آسیای مرکزی محکم نماید. سیاست «صفر مسأله با همسایگان» جای خود را با سیاستی تهاجمی عوض کرده است. پیوند منطقی آن در داخل، سرکوب کارگران و زحمتکشان، زنان و جوانان معترض و توده های کرد و سازمان های آنها را در دستور کار قرار داده است.

دخالت نظامی امپریالیسم روسیه در سوریه و تجهیز تسلیحاتی بی سابقه ای که این کشور در منطقه نموده، چالشی خطرناک برای ناتو و ترکیه، نزدیک ترین همسایه آن محسوب می شود. ترکیه با ساقط کردن هواپیمای روسی، وارد معادله ای خطرناک با روسیه گردیده است. طرح دو نماینده پارلمان روس، مبنی بر لغو قرار داد 1922 مسکو - که بین بلشویکها و آتاتورک بسته شده بود- تهدیدی ضمنی برای حاکمیت ترکیه در مناطق جنوبی قفقاز است. این قرارداد به همراه قرارداد برست لیتوسک با آلمان، حاوی امتیازاتی بود که روسیه بلشویکی به ترکیه و آلمان برای خروج از جنگ اول و نجات خویش در جنگ داخلی داده و تا به امروز زیر سؤال نرفته بود. طرح امروزی آن، تهدیدی آشکار علیه ترکیه است. اعلام ترکیه جهت تدارک آماده کردن نیروی زمینی به همراه عربستان برای مداخله در سوریه و تشدید بمباران مناطق کرد نشین سوریه، جنگی نیابتی را بین دو امپریالیسم غرب و روسیه نوید می دهد که وقوع آن ابعاد فاجعه آمیزتری را برای مردم منطقه بوجود می آورد.

سوالی را که می توان طرح کرد، این است که : آیا سکوت تاکتونی ارتش ترکیه را باید به معنی همگامی او با اردوغان و حزب عدالت و توسعه او دانست یا به معنی اینکه اردوغان

توانسته کاملاً ارتش را به زیر فرمان خود درآورد؟ احتمال این شق اخیر به نظر کم است. یک حالت دیگر قابل تصور است: سران ارتش (و نیز احزاب سنتی مخالف اردوغان) از وضعیت راضی نیستند اما مترصد فرصتی برای عمل به ضد اردوغان و حزب او هستند؛ که به رغم ریزش آرای آن، هنوز بزرگترین حزب رسمی ترکیه است. می توان گفت در بررسی چشم انداز آینده ترکیه، وضع اقتصادی این کشور و از آن مهم تر نارضائی توده ها از سیاست پان اسلامیستی، پان ترکیستی، شوونیستی و عظمت طلبانه اردوغان، حدت یابی مسأله کردها و به ویژه خواست های اقتصادی - اجتماعی و سیاسی طبقه کارگر ترکیه اهمیت خاصی دارند.

در اینجا هم مثل همه جای خاور میانه، راه برون رفت از این بن بست و بحران، اتحاد کارگران و زحمتکشان ترک با مردم زحمتکش کردستان است. کارگران ترکیه با سنت سندیکائی و تشکیلاتی و مبارزاتی خویش جای مهمی در این اتحاد دارند و با گذر از گرایش های ناسیونالیستی، پان ترکیستی و پان اسلامیستی، می توانند راهگشای این اتحاد و مبارزه علیه رژیم سرمایه و جهل اردوغان باشند.

پانویس ها

(1) احمد داوود اغلو وزیر خارجه ترکیه گفت که صد و ده سال پیش یمن، ارزروم و بنگازی یک کشور بوده اند، وقتی ما این مطلب را می گوئیم به ما می گویند که ترکیه به دنبال نو عثمانی گری است. به گزارش خیر گزاری «تابناک»، وزیر خارجه ترکیه اضافه کرد چرا به کسانی که اروپای واحد را تشکیل داده اند این را نسبت نمی دهند و آنان را احیاگر امپراتوری روم نمی دانند؟ چه اشکالی دارد که ترکیه به دنبال ایجاد جغرافیای واحد خاورمیانه باشد؟ داوود اغلو همچنین معتقد است بدون اینکه ترکیه وارد جنگ با کشوری شود و بدون اینکه طمع به سرزمین های دیگران داشته باشد می تواند یک بار دیگر ساریوو را به دمشق و دمشق را به باتوم متصل کند. او می گوید این نقطه قوت ماست. وزیر خارجه ترکیه اضافه کرد که صد سال پیش یمن و ارزروم و بنگازی یک کشور بودند اگر چه امروزه کشورهای متفاوتی به نظر می رسند. ما افتخار می کنیم به گذشته و امپراتوری عثمانی و ایوبی. اما چشم طمع به سرزمین هیچ

کشوری نداریم. چرا ترکیه که به دنبال خاورمیانه واحد است را متهم به عثمانی‌گری می‌کنند؟

(<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1913597>)

(2) شروع جنبش سندیکائی ترکیه تقریباً به آغاز سده بیستم می‌رسد. اما تاریخ سندیکاهای معاصر ترکیه از سال 1947 است که در آن سال قانونی مبنی بر آزادی تشکل کارگری، بدون حق مذاکره جمعی و بدون حق اعتصاب، تصویب شد. اکنون در ترکیه اتحادیه‌ها و کنفدراسیون‌های سندیکائی متعددی وجود دارند که 4 کنفدراسیون سندیکائی مهم آن از این قرارند:

الف) کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری ترکیه (تورک-ایش TÜRK-İŞ) که در سال 1952 از اتحاد شماری سندیکای صنعتی و خدماتی به وجود آمد و اکنون حدود یک میلیون و هفتصد و پنجاه هزار عضو دارد. بخش مهمی از کارکنان مؤسسات عمومی عضو سندیکاهای تشکیل دهنده این کنفدراسیون هستند. تورک-ایش عضو کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری ITUC و کنفدراسیون اروپائی اتحادیه‌های کارگری ETUC است. این کنفدراسیون موضعی محافظه‌کارانه و سازشکارانه در برخورد به دولت و کارفرما دارد. تکیه تورک-ایش بر «فعالیت قانونی»، «گفتگوی اجتماعی (گفتگو با کارفرما)»، «آرامش محیط کار» و «ثبات کشور» است. تورک-ایش تنها سازمان سندیکائی است که در کودتای 1980 کنان اورن ترکیه به حیات خود ادامه داد.

ب) کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری انقلابی ترکیه (دیسک DİSK). این کنفدراسیون در سال 1967 با انشعاب برخی اتحادیه‌ها از تورک-ایش، تشکیل شد و بعدها اتحادیه‌های دیگری به آن پیوستند. دیسک اکنون حدود 327000 عضو دارد. این کنفدراسیون سندیکائی بر اساس مواضع چپ و رادیکال مبارزه جویانه به وجود آمد و در سازماندهی بسیاری از حرکات بزرگ کارگری در دهه 1970 تا سال 1980 شرکت داشت. این سازمان بارها از سوی پلیس و ارتش ترکیه مورد یورش و سرکوبی قرار گرفت. در کودتای 1980 بسیاری از اعضای این کنفدراسیون دستگیر و به حبس‌های طولانی محکوم شدند و فعالیت‌های این کنفدراسیون ممنوع شد.

اعضای تشکیل دهنده این کنفدراسیون سندیکائی از رهبران حزب کارگر ترکیه (سوسیالیست) بودند که در عین حال رهبری برخی اتحادیه‌های کارگری را بر عهده داشتند. این حزب در سال 1987 با حزب کمونیست ترکیه وحدت کرد. در سال 1991

منع فعالیت این کنفدراسیون بر طرف شد. دیسک، مانند تورک-ایش مرکب از سندیکاهای صنایع و خدمات مختلف است و اساساً در واحدهای متعلق به بخش خصوصی فعالیت دارد.

پ) کنفدراسیون اتحادیه‌های واقعی کارگری ترکیه (هاک-İŞ-HAK) در سال 1976 تشکیل شد و 340 هزار عضو دارد. این کنفدراسیون به ایدئولوژی اسلامی حزب نجات ملی نزدیک بود. رویکرد این کنفدراسیون مبتنی بر هماهنگی بین کارگر و کارفرما و پرهیز از برخورد رو در رو بین آنان است.

ت) کنفدراسیون اتحادیه‌های کارکنان بخش عمومی (KESK). این کنفدراسیون در سال 1995 تشکیل شد و 300 هزار عضو دارد. این کنفدراسیون عضو کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری ITUC و کنفدراسیون اروپائی اتحادیه‌های کارگری ETUC است.

منبع: (اتحادیه‌های کارگری در ترکیه، نوشته دمت شاهنده دینلر 2012 <http://library.fes.de/pdf-files/id-moe/09536-20121221.pdf> و ویکی‌پدیا)

(3) علیرغم چرخشی که ترکیه بعد از وقایع بهار عربی، در نزدیکی به کشورهای عرب مسلمان کرد، به واسطه منافع اقتصادی عظیمی که با اسرائیل دارد، روابط مهم تجاری اش را با آن حفظ کرد. مبادله تجاری ترکیه و اسرائیل از 1997 تا 2007 سه برابر شد. و از 1.3 میلیارد دلار به 4 میلیارد دلار رسید. سردی روابط، حتی مانع از آن نشد که در 5-6 سپتامبر 2007 هواپیماهای اسرائیل از حریم هوایی ترکیه عبور کنند و تأسیسات هسته‌ای سوریه (ال-کیبار) را بمباران نمایند. در ازای آن اسرائیل 10 هواپیمای بدون سرنشین (drone) به ترکیه ارسال کرد که در جنگ علیه کردها به کار گرفته شد. زیر فشار آمریکا که خواهان حفظ پایگاه‌های مطمئن خود در خاورمیانه است، این دو متحد نزدیک آمریکا به بهبود روابط خود پرداختند. اوپاما در سفر ماه مارس 2013 خود به اسرائیل، نخست وزیر اسرائیل را وادار کرد که مراتب عذر خواهی خویش را از بابت کشتن ناوی‌های ترک در جریان حمل‌کمک‌های انسانی به غزه (ناو مرمره) ابراز کند و متعهد پرداخت غرامت گردد. در پی کشف نفت و گاز در مناطق دریائی تامار (Tamar) و لویاتان (Leviathan) در سواحل مدیترانه نزدیک به لبنان، قبرس، اسرائیل، فلسطین، مصر و ترکیه در 13 کیلومتری حیفا در 2010، ترکیه در عین رقابت برای دست یافتن به این منابع، امیدوار است که با کمک و همکاری با اسرائیل، نقش مهمی در

ارسال این گاز به اروپا بازی کند. اختلاف بر سر تعیین حدود این حوزه های نفتی و گاز بین کشورهای ساحلی سوژه جدیدی برای تشنج در این منطقه ای است که موضوع مورد مجادله کم ندارد. 700 میلیارد متر مکعب گاز طبیعی در این حوزه ها و استخراج آن، اسرائیل را از واردات انرژی بی نیاز می کند. اسرائیل از هم اکنون با فرستادن ناوهای جنگی به منطقه و عقد قرارداد امنیتی با قبرس به سرعت، بخش قابل ملاحظه ای را مورد بهره برداری قرار داده است. باید اضافه و تأکید کرد که مسأله انرژی در مبارزه کنونی، بین ایران و ترکیه و عربستان و اسرائیل، پیش زمینه ای است که در بستر آن تمام این تضادهای سیاسی و مذهبی گره خورده اند.

منابع:

- جنبش کارگری ترکیه و تشکل های سراسری
کاری از گروه تحقیقات و پژوهش کانون مدافعان حقوق کارگر

<http://www.kanoonm.com/1676>

www.2shared.com/document/uANcGwuN/turkyen.htm

- دیدگاه نو ،

<http://didgahenow.com/1394/08/15/turkey-election>

- چهارده سال، پس از تأسیس "حزب عدالت و توسعه" از موفقیت همه جانبه تا ورشکستگی کامل
نوشته: محمد نورالدین، استاد دانشگاه در ترکیه - ترجمه: احمد مزارعی ۲۰۱۵/۸/۱۶ - مجله انترنتی هفته
"خاورمیانه نوین" نام جدید "امپراطوری عثمانی" رضا نفاعی - اخبار روز

- مجمع تشخیص مصلحت نظام - مرکز تحقیقات استراتژیک «پژوهشکده»

شاخص های اصلی و جایگاه جهانی ترکیه در سال

2023 میلادی

- مقاله پژوهشی: فهرست داعش - ترکیه. دیوید ل. فیلیپس - مترجم: ابوالقاسم گلستانی

اخبار روز: www.akhbar-rooz.com شنبه ۲۱

آذر ۱۳۹۴ - ۱۲ دسامبر ۲۰۱۵

- Le mouvement Gülen, une énigme turque, par Ali Kazancigil, mars 2014, Politologue, codirecteur de la revue de géopolitique *Anatoli*, CNRS Editions, Paris.

- تازه های اقتصاد - سال هشتم، شماره صد و بیست و هفت
www.sid.ir ترکیه، اصلاحات ساختاری

بررسی اجمالی زمینه شکل گیری اعتراضات کنونی در ترکیه--
گروه پروسه- سولماز بهرنگ- ژوئن 2013

پیوست

برخی آمارهای اقتصادی ترکیه

تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار به قیمت جاری)

سال	1998	1999	2000	01	02	03	04	05	06	07	08	09	10	11	12	13	14	15
تولید ناخالص داخلی	269	249	266	196	232	303	392	483	530	647	730	614	731	774	788	822	798	722
رشد (درصد)	2.3	-5	6	-5.7	7.8	5.8	8.2	7.4	5.3	4.5	1.1	-4.7	8.2	8.5	2.6	3.8	3.1	3.5

(منابع: Trading Economics ، Knoema ، indexmundi و بانک جهانی) طبق داده های بانک جهانی، تولید ناخالص داخلی ترکیه به قیمت های ثابت 2001، از دسامبر 2001 تا دسامبر 2013 حدود 80% افزایش یافته است.

تشکیل سرمایه پایدار ناخالص (میلیارد دلار) و نسبت آن به تولید ناخالص داخلی از 2001 تا 2014

سال	200	02	03	04	05	06	07	08	09	10	11	12	13	14
1	31	39	51	78	101	117	136	146	104	139	170	158	164	160
درصد تولید ناخالص داخلی	16	17	17	20	21	22	21	20	17	19	22	20	20	20

نرخ تورم از 2000 تا 2015

سال	2000	01	02	03	04	05	06	07	08	09	10	11	12	13	14	15
نرخ تورم (درصد)	56.2	53.5	47.2	21.9	8.6	8.2	9.6	8.8	10.4	6.3	8.6	6.4	8.9	7.5	8.5	7.7

(منبع: <http://www.inflation.eu/inflation-rates/turkey/historic-inflation/cpi-inflation-turkey.aspx>)

مزد حد اقل سالانه از 2000 تا 2015 به لیره ترک (1)

سال	2001	02	03	04	05	06	07	08	09	10	11	12	13	14	15	16
مزد حداقل سالانه	1826	2837	3672	5203	5864	6372	6885	7843	8154	7937	9801	10962	12001	13230	15600	19764

(منبع «سازمان توسعه و همکاری اقتصادی OECD»)

(1) نرخ رسمی لیره ترک در بهمن 1394 = حدود 1030 تومان

نرخ بیکاری در ترکیه از سال 2000 تا 2014

سال	2000	01	02	03	04	05	06	07	08	09	10	11	12	13	14
نرخ بیکاری (درصد)	5.6	7.2	9.0	9.1	8.9	9.5	9.0	9.2	10.0	13.0	11.1	9.1	8.4	9.0	9.9

انباشته وام خارجی (دولتی و خصوصی) ترکیه، میلیارد دلار

2014	2013	2012	2011	2010	2009	2008	2007	2006	2005	2004	2003	2002	سال
397	390	339	304	292	269	281	250	208	171	161	144	130	جمع کل وام خارجی
50	47	43	39	40	44	38	39	40	35	41	47	56	نسبت کل وام خارجی به تولید ناخالص داخلی (درصد)
120	115	102	93	88	86	82	71	74	72	74	70	65	وام دولتی خارجی (میلیارد دلار)
15	14	13	12	12	14	11	11	14	15	19	23	28	نسبت وام دولتی خارجی به تولید ناخالص داخلی (درصد)
272	272	228	201	190	173	185	162	121	87	66	49	44	وام خصوصی خارجی (میلیارد دلار)
34	33	29	26	26	28	25	25	23	18	17	16	19	نسبت وام خصوصی خارجی به تولید ناخالص داخلی (درصد)
69	70	69	68	68	67	69	69	62	54	47	41	40	نسبت وام خصوصی خارجی به کل وام خارجی (درصد)

(با استفاده از آمار بانک مرکزی ترکیه، به نقل از Turkish Weekly، 6 آوریل 2015)

جریان سرمایه گذاری خارجی در ترکیه از 1998 تا 2015، میلیارد دلار

15	14	13	12	11	10	09	08	07	06	05	04	03	02	01	2000	1999	1998	سال
16	12.8	12.3	9.5	16.2	8.8	8.6	19.7	22.9	20.1	10.1	2.7	1.8	1.2	3.3	1.1	0.75	0.81	ورود سرمایه خارجی
2.2	1.6	1.5	1.2	2.1	1.2	1.4	2.7	3.4	3.8	2.1	0.7	0.6	0.5	1.7	0.4	0.3	0.3	نسبت سرمایه ورودی به تولید ناخالص داخلی (درصد)

انباشته سرمایه گذاری خارجی در ترکیه از 1998 تا 2014، میلیارد دلار

14	13	12	11	10	09	08	07	06	05	04	03	02	01	2000	1999	1998	سال
169	149	190	136	186	144	80	154	95	71	39	34	18	19	19	18	17	انباشته سرمایه خارجی

(منبع: UNCTAD)

سرمایه گذاری سالیانه ترکیه در خارج از 2009 تا 2014، میلیارد دلار

2014	2013	2012	2011	2010	2009	سال
6.66	3.53	4.11	2.30	1.47	1.55	سرمایه گذاری سالانه در خارج

(منبع: UNCTAD)

انباشت سرمایه گذاری ترکیه در خارج، میلیارد دلار

2014	2000	1990	سال
40.1	3.67	1.15	کل سرمایه گذاری در خارج

(منبع: UNCTAD)

تراز بازرگانی ترکیه: صادرات و واردات کالا و خدمات و کسری بازرگانی ترکیه از 2007 تا 2014

2014	2013	2012	2011	2010	2009	2008	2007	سال
27.1	25.6	26.3	24.0	21.2	23.3	23.9	22.3	نسبت صادرات کالا و خدمات به تولید ناخالص داخلی (درصد)
32.1	32.2	31.5	32.6	26.8	24.4	28.3	27.5	نسبت واردات کالا و خدمات به تولید ناخالص داخلی (درصد)
-39.9	-54.2	-41	-66.6	-40.9	-6.7	-32.1	-33.6	کسری تراز بازرگانی (میلیارد دلار)

(منبع: سازمان توسعه و همکاری اقتصادی OECD)

تراز حساب جاری یک کشور عبارت است از تراز صادرات و واردات کالا و خدمات، تراز سرمایه گذاری و خالص پرداخت های یک طرفه.

نسبت تراز حساب جاری به تولید ناخالص داخلی شاخصی است که برای مقایسه وضعیت اقتصادی یک کشور در زمان های مختلف و یا مقایسه وضعیت کشورهای مختلف به کار می رود.

نسبت تراز حساب جاری به تولید ناخالص داخلی ترکیه و مقدار آن که کسری این تراز در سال های 2006 تا 2015 را نشان می دهد در جدول زیر آمده است:

وابستگی به نفت و گاز

در سال 2014 ترکیه 54.9 میلیارد دلار صرف واردات نفت کرده است (22.7% کل واردات). وابستگی ترکیه به واردات نفت حدود 90% و به واردات گاز بیش از 90% است. بیش از نیمی از واردات گاز ترکیه از روسیه است.

تراز حساب جاری

2015	2014	2013	2012	2011	2010	2009	2008	2007	2006	سال
-4.5	-5.7	-7.9	-6	-9.7	-6.6	-2.3	-5.6	-5.9	-6.1	نسبت تراز حساب جاری به تولید ناخالص داخلی (درصد)
-32.5	-45.5	-64.9	-47.3	-75.1	-48.2	-14.1	-40.9	-38.2	-32.2	کسری تراز حساب جاری (میلیارد دلار)

(منبع: Trading Economics)

هزینه نظامی ترکیه (میلیارد دلار به قیمت جاری)

سال	1998	1999	2000	01	02	03	04	05	06	07	08	09	10	11	12	13	14
نسبت هزینه نظامی به تولید ناخالص داخلی (درصد)	3.3	4	3.7	3.7	3.9	3.4	2.8	2.5	2.5	2.3	2.3	2.6	2.4	2.2	2.2	2.2	2.2
هزینه نظامی (میلیارد دلار)	8.9	10	9.8	7.2	9	10.3	11	12.1	13.2	14.9	16.8	16	17.5	17	17.3	18.1	17.6

(منبع: بانک جهانی)